



مدلسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای سیاست گذاری برنامه هفتم توسعه مبتنی بر تحلیل بیانیه گام دوم

محسن کشاورز، علیرضا علیخانزاده

چکیده. در صورتی که حکمرانی را فرایند تعالی بخش اعمال قدرت و راهبری جامعه به سمت آرمان ها و اهداف مطلوب بدانیم، ترسیم وضع موجود و درک نظام مند از مسائل آن، امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. بر این اساس، پیش نیاز اساسی در کارآمدسازی برنامه های توسعه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی حکمرانی اقتصادی، درک عمیق و سیستماتیک از مسائل مبتلا به این ساحت از جامعه و اولویت بندی آنان خواهد بود. لازمه حکمرانی اقتصادی کارآمد در برنامه توسعه هفتم، سیاست گذاری بر پایه فهم دقیق از مسائل اقتصاد ایران و داشتن تحلیل عمیق از روابط پایدار میان آنان است. در پژوهش حاضر، در ابتدا بر اساس تحلیل تماتیک بیانیه گام دوم، مجموعه مسائل جمهوری اسلامی در حکمرانی اقتصادی احصا گردیده است. در ادامه با بهره گیری از روش مدلسازی تفسیری-ساختاری (ISM)، تحلیل روابط میان مسائل و ترسیم نظام مسائل اقتصادی ایران در سه سطح صورت گرفته است. در نهایت نیز با استفاده از ماتریس اثرات متقابل، اولویت بندی از مسائل اقتصادی ایران ارائه شده است.

کلیدواژگان: مسائل اقتصاد ایران، حکمرانی اقتصادی، سیاست گذاری اقتصادی، برنامه هفتم توسعه، مدلسازی تفسیری-ساختاری، تحلیل تماتیک

Modeling the System of Governance Issues of the Islamic Republic of Iran as a Basis for Policy Analysis of the Seventh Development Plan Based on the Statement of the Second Step

Abstract. It is inevitable if we consider governance to be the process of exalting the power and guiding society towards desirable ideals and goals. Accordingly, a fundamental prerequisite for streamlining development plans as one of the key tools of economic governance will be a deep and systematic understanding of the issues at stake in this area of society and their prioritization. Effective economic governance is required in the Seventh Development Plan, policy-making based on a thorough understanding of Iran's economic issues and an in-depth analysis of the sustainable relationships between them. In the present study, based on a thematic analysis of the second step statement, the set of issues of the Islamic Republic of Iran in economic governance is discussed first. Then, using the Interpretive-Structural Modeling (ISM) method, the analysis of the relationship between problems and the outline of Iran's economic system is done at three levels. Finally, prioritization of Iran's economic problems is presented using the interaction matrix.

Keywords: Iranian Economic Issues, Economic Governance, Economic Policy, Seventh Development Plan, Interpretive-Structural Modeling, Thematic Analysis

۱- مقدمه

بیانیه گام دوم به عنوان یکی از ابتکارات ماندگار مقام معظم رهبری با ارائه سبکی نوین از تصویرپردازی های عالمانه، منصفانه و شجاعانه از گذشته، حال و آینده توسعه یک کشور، در نوع خود کم نظیر بلکه بی نظیر بوده است. این بیانیه با ارزیابی روند حرکت توسعه ای جمهوری اسلامی در گام اول، ضمن نقد و بررسی مسیر حرکت و سنجش مسائل وضع موجود، روزه های امیدبخشی برای برون رفت از چالش ها به تصویر کشیده است. این بیانیه علاوه بر اینکه مبتنی بر نگاهی عالمانه نگارش شده، کوشیده تا از مسیر انصاف خارج نشود اما در عین حال شجاعانه به استقبال نقادی عملکردهای گذشته نیز برود. نگاه واقع بینانه به نقاط قوت و ضعف گام اول انقلاب اسلامی، امید به آینده و تمرکز بر پیشران های توسعه، روح و مغز این بیانیه راهبردی است. بر این اساس، بیانیه گام دوم را می توان به عنوان یک مانیفست پیشرفت و عدالت دانست که هم مساله شناسی نموده و هم راهکارهای عبور از مشکلات و رسیدن به آرمان ها را ارائه کرده است.

مهم ترین نکته در وجوه اقتصادی این بیانیه، ابتدای آن بر یک نظام تحلیلی جامع و منسجم است که وضعیت اقتصادی را از زاویه حکمرانی مورد توجه قرار داده و تصویری کلان از راهبردهای توسعه ای کشور ارائه می نماید. بر این اساس، بیانیه گام دوم چکیده ای از وجوه نظری کلان پروژه پیشرفت جمهوری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (حفظه ...) است و نقشه راه حرکت شتابان کشور را با آسیب شناسی گذشته و تصویر پردازی از آینده، ترسیم می سازد.

درک نظام مند از مسائل پیشرفت و خصوصاً وجوه اقتصادی آن، یکی از نقاط برجسته بیانیه گام دوم و از جمله لازمه های اصلی در طراحی سیاست های توسعه ای کشور و تدوین برنامه های توسعه است. نظام مسائل پیشرفت از لحاظ مفهومی به معنای شبکه تعاملات میان اصلی ترین مسائل توسعه و پیشرفت یک کشور است که علاوه بر تعیین راهبردی ترین مسائل، چگونگی روابط متقابل و اثرپذیری و اثرگذاری فی مابین آنها را نیز ترسیم می سازد.

بی شک یکی از کلیدی ترین ابزارهای حکمرانی اقتصادی کشور، برنامه های جامع توسعه است که ریل گذاری اصلی اقتصاد کشور را برای ۵ سال معین و روشن می سازد. آنچه مبنا و پایه اصلی در طراحی برنامه های توسعه محسوب می شود، نظام مسائل توسعه و پیشرفت کشور است که در یک برش ۵ ساله، تلاش می شود تا حداقل بخشی از آنها مرتفع شده و اهداف اقتصادی محقق شوند. لذا داشتن تصویری جامع و منسجم از مسائل حکمرانی اقتصادی ایران، شرط لازم در طراحی و تدوین یک برنامه عملیاتی، کاربردی و راهگشاست.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف طراحی نظام مسائل حکمرانی اقتصادی به عنوان مبنای برنامه ریزی توسعه در برنامه هفتم تهیه و تدوین شده است. سوال اصلی تحقیق این است که مسائل اقتصادی مد نظر مقام معظم رهبری در حوزه حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم چیست؟ همچنین ارتباط میان مسائل یا به عبارتی شبکه مسائل اقتصادی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی به صورت عام و برنامه هفتم توسعه به صورت خاص چه خواهد بود؟ برای پاسخ به این پرسش ها، ابتدا از طریق تحلیل مضمون، ابعاد اقتصادی بیانیه گام دوم کدگذاری شده و در ادامه نیز با استفاده از تکنیک ISM، نظام مسائل اقتصادی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مدلسازی شده است.

این تحقیق در چهار بخش اصلی سازماندهی شده، به گونه ای که در بخش اول، پس از مفهوم شناسی "نظام مسائل" به نقد و بررسی پیشینه تحقیق اقدام شده است. در بخش دوم، روش تحقیق پژوهش در مرحله گردآوری و تحلیل داده ها مورد بحث قرار گرفته است. بخش سوم اختصاص به کدگذاری وجوه اقتصادی بیانیه، استخراج شبکه مضامین مسائل، مدلسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و اولویت بندی آنها اختصاص یافته است. بخش آخر نیز ناظر به جمع بندی پژوهش و ارائه پیشنهادات سیاستی برای برنامه هفتم توسعه می باشد.

۲- مبانی نظری

۱-۲. مفهوم شناسی نظام مسائل

نظام مسائل از دو واژه "نظام" و "مساله" شکل گرفته که برای تعریف و تشریح مفهومی این عبارت، بایستی این دو واژه را مورد تحلیل قرار داد. بایستی اشاره کرد که منظور از "نظام" در این پژوهش سیستم است و نظام مسائل در واقع همان سیستم مسائل است.

تئوری سیستم ها هر نظام اجتماعی را به صورت کل می نگرد که برای درک و شناخت این کل، شناخت اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن و نیز روابط واکنش های میان آن اجزا و عناصر ضروری است. در این کل هر جزئی بدون اجزا دیگر نمی تواند موثر عمل کند و هر تغییر که در واحدی از کل اتفاق افتد، در کل سیستم موثر واقع می شود (بروشکی، ۱۳۸۴: ۵۴). نظریه سیستمی در صدد است با ارائه مفاهیم و زبانی مشترک بین گرایش ها و رشته های مختلف علمی به تبیین ها و مفاهیمی جهان شمول تر و با روایی بالاتر دست پیدا کند؛ بنابراین تعریف سیستم دارای گستره ای بسیار وسیع از عوامل است (رضائیان و عبدالهی، ۱۳۹۵: ۲۰). طبق تعریف، سیستم ترکیبی از اجزا و قسمت های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته اند و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی سازمان یافته است. (بروشکی، ۱۳۸۴: ۵۲).

ذکر این نکته ضروری است که اگر اجزای تشکیل دهنده سیستمی را بشناسیم، لزوماً سیستم را نشناخته ایم؛ زیرا علاوه بر اجزا باید رابطه بین اجزا و موقعیت آنها را نیز شناخت. در واقع روابط است که اجزای سیستم را به هم پیوند می دهد و به سیستم به منزله مجموعه ای مرتبط و هماهنگ، مفهوم و معنا می بخشد. بنابراین سیستم مجموعه ای از اجزای بهم وابسته است که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود کلیت جدید را پدید آورده اند. اجزای سیستم، ضمن برخورداری از ارتباطات کنشی و واکنشی، از نظم و سازمان خاصی پیروی می کنند و در جهت تحقق هدف های معین، که علت وجودی سیستم اند، فعالیت می کنند (انصاری فرد، ۱۳۹۳: ۲۴).

ممکن است عناصر یا اجزای سیستم "مفاهیم" باشند؛ در اینصورت با یک سیستم مفهومی سرو کار داریم. همانند رشته های علمی. ممکن است که عناصر سیستم اشیا باشند مثل اتومبیل که از اجزا و قطعات متفاوتی ساخته شده است. ممکن است عناصر سیستم، افراد انسانی باشند، مانده خانواده و سرانجام ممکن است که سیستم مرکب از مفاهیم، اشیا و افراد انسانی باشد نظیر سازمان ها و نظام های اجتماعی (بروشکی، ۱۳۸۴: ۵۲). نظام مسائل، نمونه ای از سیستم های مفهومی هستند چرا که عناصر یا اجزای این سیستم، شبکه ای از مسائل بوده و ارتباطات میان آنها نیز از جنس ارتباطات نظری است. در دیدگاه متفکران سیستمی، آنچه منجر به مدلی عمومی برای زمینه های گوناگون علمی می شود، پیش فرضی است که آنها در مورد سیستم و ویژگی های آن دارند. برای مثال، تصریح مدلی مشترک میان یک سیستم فیزیکی و یک سیستم اقتصادی به این معنا نیست که آن ها ادعا می کنند اجزای سیستم های فیزیکی، که اغلب اتم ها هستند، با اجزای سیستم های اقتصادی که انسان ها هستند، تشابه دارند؛ بلکه برای مثال بنا بر استدلال نظریه سیستم ها فرایندهای یکسانی در سیستم های فیزیکی و اقتصادی رخ می دهد و این فرایندها حاصل ارتباط متقابل اجزای هر یک از سیستم هاست (انصاری فرد، ۱۳۹۳: ۲۴).

برای مسئله تعاریف مختلفی ارائه شده است. در تعریف مبنای این پژوهش، مسئله عبارت است از فاصله بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب یا مورد نظر در یک سیستم. به عبارت دیگر وقتی بین آنچه که در حال حاضر و آنچه که به عنوان وضعیت مطلوب است، فاصله وجود دارد و چگونگی رفع این شکاف و نحوه رسیدن به هدف هم چندان روشن نیست، مساله شکل گرفته است (Robertson, 2001, p.3).

حال بر اساس تعاریف ارائه شده از سیستم و مساله می توان نظام مسائل اقتصادی را اینگونه تعریف نمود :

نظام مسائل اقتصادی، مجموعه ای منسجم و مرتبط با هم از فاصله های بین وضعیت مطلوب و موجود در

عرصه اقتصاد است که از تعامل و ارتباطات درونی آنها، وضعیت پایداری از چالش ها به عینیت می رسد.

ادعای پژوهش حاضر این است که اقتصاد ایران به عنوان یکی از زیرسیستم های اجتماعی، متأثر از مجموعه ای منسجم از شکاف های کارآمدی است که ارتباط هم افزای این شکاف ها با یکدیگر، ناکارایی ها و بی ثباتی های اقتصادی را رقم می زند. در نظام مسائل حکمرانی اقتصاد ایران، عناصر اصلی سیستم، مسائل اقتصادی و روابط سیستم، تعاملات حفظ کننده و تقویت

کننده میان این مسائل و چگونگی تاثیر و تاثر متقابل بین آنهاست. نکته مهم این است که در تحلیل وضعیت موجود اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون رفت از چالش های آن بایستی مسائل حکمرانی اقتصادی را به عنوان یک کل منجمم مورد واکاوی قرار داد و در سیاست گذاری های توسعه ای به طور عام و در برنامه هفتم توسعه به طور خاص، با این رویکرد به پیشرفت و توسعه نگاه کرد.

۲-۲. پیشینه تحقیق

هر چند پژوهش های زیادی در زمینه ارزیابی های جزء نگرانه از مسائل اقتصاد ایران صورت گرفته است اما حجم پژوهش های مرتبط با تحلیل های سیستمی و کل گرایانه از مسائل اقتصاد ایران بسیار کم انجام شده است. این در حالیست که فهم سیستمی از مسائل اقتصادی، پیش نیاز جدی برای مدیریت توسعه است و سیاست گذاری پیشرفت بدون درک جامع و نظام مند از اقتصاد و مسائل تشکیل دهنده آن، کارایی چندانی نخواهد داشت.

سعید خراط ها (۱۳۹۳) در پژوهش "بررسی و مقایسه مهم ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان" با بررسی منابع و اسناد مرتبط، ۳۴ مساله اقتصادی در ایران را شناسایی کرده و در اختیار ۵۰ نفر از خبرگان حوزه علوم انسانی قرار دادند. بر اساس نظر خبرگان، از بین این مجموعه مسائل، تورم و گرانی، ناتوانی از رقابت اقتصادی در بازار جهانی، فساد اداری، بیکاری، ناامنی اقتصادی، قاچاق کالا، پایین بودن سطح درآمد و دستمزد و فقر اقتصادی در زمره مهم ترین مسائل اقتصادی ایران شناسایی شده است.

جاویدی و احمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان "فرصت ها، چالش ها و موانع توسعه ایران" با روش توصیفی-تحلیلی، موانع و چالش های پیشرفت ایران را از طریق کارشناسان و محققان احصا کرده و سپس به ریشه اصلی این چالش ها و موانع در سطح کلان پرداخته است. در پژوهش تاکید شده که تنها فرصت و راه حل اساسی و بنیانی برای پیشرفت ایران، تغییر انگیزش، پرورش، بینش و گزینش در تمامی سطوح نظام اسلامی از جهت مادی به طرف جهت الهی است.

عیسوی و زریباف (۱۳۹۵) در پژوهش "استخراج چارچوب نظری برای آسیب شناسی اقتصاد ایران بر اساس مولفه های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" متکی بر ایده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اقدام به ارائه الگویی برای شناخت، دسته بندی، اولویت گذاری و ارزیابی آسیب های اقتصاد ایران اقدام کردند. آنها مبتنی بر این ایده، متوازن سازی در سه سطح مبنایی، حقوقی و امکانی را به عنوان دلالت های این الگو معرفی کرده و شاخص های شناختی و کارکردی آسیب شناسی اقتصاد ایران را بر اساس چهار زیر نظام اصلی در سطح حقوقی شامل نظام مطلوب، حقوقی (در راس آن قانون اساسی)، تصمیم گیری (سیاست های کلی نظام) و مسائل ارائه نمودند. آنها مهم ترین عامل راکد ماندن ظرفیت های عدالت پذیری در اقتصاد ایران را عدم توازن در این چهار زیر نظام می دانند.

جعفری و قنبری (۱۳۹۶) طی پژوهشی با عنوان "مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران" ابر مساله عدم پیشرفت مستمر اقتصاد ایران را نحوه تخصیص درآمدهای ارزی فروش نفت دانسته و سایر مسائل اقتصاد ایران از جمله مشکلات ساختاری، فقدان سرمایه گذاری مولد و نفتی بودن چرخه تولید را به تبع چگونگی خرج کرد ارزهای نفتی می دانند.

۳-روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش های کاربردی محسوب می شود زیرا با مدلسازی نظام مسائل اقتصاد ایران به دنبال ایجاد مبنایی برای سیاست گذاری برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران می باشد. بر این اساس، گردآوری اطلاعات (احصای مسائل حکمرانی اقتصادی) با بهره گیری از الگوی تحلیل مضمون و تحلیل اطلاعات (مدلسازی نظام مسائل) با استفاده از تکنیک تحلیل ساختاری-تفسیری (ISM) صورت گرفته است.

۳-۱. روش گردآوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل موضوعی یک روش تفسیری برای تحقیقات کیفی است که بر اساس طبقه بندی داده ها به مضامین خاص و با هدف درک پیچیدگی های یک مساله مورد بهره

برداری قرار می گیرد (Lehman&other,2019:4). این روش یک رویکرد کاملاً انعطاف پذیر را ارائه می دهد که می تواند مطالعه داده های مفصل و در عین حال پیچیده را ممکن سازد (Nowell,2017:2). منظور از مضمون در تحلیل های تماتیک کدهایی است که دارای یک مرجع مشترک بوده و از درجه کلی بالایی برخوردار است به گونه ای که ایده ها را حول موضوع تحقیق منسجم می سازد (Vaismoradi,2016:101). این کدها به عنوان برچسب هایی هستند که برای بخش هایی از داده ها اعمال می شوند که با سؤالات تحقیق مرتبط هستند. کدها، ساختمان های تجزیه و تحلیل هستند: اگر تحلیل را به مثابه یک خانه آجری با سقف کاشی بدانیم، مضامین، دیوارها و سقف و کدها، آجرها و کاشی های مجزا است (Clarke&Braun,2012:61).

این روش، الگویی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی را ارائه می دهد. در این روش، داده های متنی تحلیل شده و داده های پراکنده و متنوع به داده های غنی و تفصیلی تبدیل می گردند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون را باید روش ویژه ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف پذیری است. برخلاف برخی روش های کیفی، تحلیل مضمون به چارچوبی نظری از پیش تعیین شده ای وابسته نیست و از این روش می توان در چارچوب های نظری متفاوت و برای امور مختلف، هم برای بیان و هم برای تبیین واقعیت استفاده کرد (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۳). این روش به شناسایی و تحلیل الگوهای معنایی یک موضوع اختصاص داشته و ابزاری کاربردی برای تحقیقات اکتشافی است. به طور کلی روش تحلیل مضمون سنگ بنای روش های تجزیه و تحلیل کیفی محسوب می شود (Herzog,2019:1). هدف از تجزیه و تحلیل مضمون، شناسایی الگوهای موجود در داده ها و استفاده از آنها در پاسخ به پرسشی از چستی یک موضوع است. لذا تحلیل مضمون چیزی بیشتر از خلاصه کردن داده ها بوده و قوت آن منوط به ارائه یک تفسیر معنابخش و جدید از مساله است (Maguire& Delahunt,2017:53).

یکی از روش های کاربرد در تحلیل مضمون استفاده از الگوی شبکه مضامین است که آتراید-استرلینگ (۲۰۰۱) توسعه داده اند. آنچه شبکه مضامین عرضه می کند، نقشه ای شبیه تارنمای به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین بدست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام مند می کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می شود. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). آنچه شبکه مضامین ارائه می کند یک شبکه وب مانند به عنوان یک الگوی سازمان دهنده است و رویه های مشخصی نیز برای رسیدن از متن به تفسیر فراهم می سازد. لذا روش تحلیل مضامین یک روش مکمل برای ابزارهای موجود در تحلیل کیفی است (Atride&strling,2001:95).

در این پژوهش مطابق با الگوی عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) فرایند تحلیل مضمون در سه مرحله اصلی و شش گام فرعی به شرح زیر صورت می گیرد :

مرحله اول : تجزیه و توصیف متن

گام اول: آشنا شدن با متن

گام دوم : کدگذاری اولیه

گام سوم :جست و جو و شناخت مضامین

مرحله دوم : تشریح و تفسیر متن

گام چهارم : ترسیم شبکه مضامین

گام پنجم : تحلیل شبکه مضامین

مرحله سوم : ترکیب و ادغام

گام ششم : تدوین گزارش (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

برای گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش تحلیل مضمون، پژوهشگران با غوطه‌وری در بیانیه گام دوم و بررسی عمیق متن، هر سه گام تجزیه و توصیف، تشریح و تفسیر، و ادغام و ترکیب متن را انجام داده و به مسائل فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه‌رسیده و در نهایت به صورت پنل خبرگانی، داده‌ها را اعتباربخشی کرده و شبکه مضامین را کامل کردند.

۲-۳. روش تحلیل اطلاعات

روش ISM که توسط وارفیلد در سال ۱۹۷۳ ایجاد شده و در تحقیقات گسترده‌ای مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این روش با ارائه فرایند سلسله‌مراتبی، ساختارهای سیستمی پیچیده را مدل‌سازی نموده و در تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Kubule, 2019:3). این روش روابط میان معیارها را به صورت علت و معلولی و با وابستگی‌های متقابل میان کل عناصر یک سیستم مشخص می‌سازد (Shahabadkar, 2012:196). در این روش ابتدا به شناسایی عوامل موثر بر موضوع تحقیق پرداخته شده و سپس روابط بین این عوامل و وابستگی میان آنان تشریح می‌گردد (کشاورز، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

این روش با تجزیه عوامل موثر و اساسی در چند سطح مختلف، به تحلیل ارتباط بین آنها می‌پردازد. مدل‌سازی تفسیری-ساختاری یک فرایند تعامل است که در مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با همدیگر در یک مدل سامان‌مند جامع، ساختاربندی می‌شود. این روی می‌تواند به اولویت‌بندی و سطح‌بندی عناصر یک سیستم اقدام کند که کمک‌شایانی به سیاست‌گذاران و مدیران می‌کند (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۲۹). در این تکنیک، مجموعه‌ای از عناصر مختلف متفاوت به طور مستقیم و غیرمستقیم در یک مدل جامع سیستماتیک ساخته می‌شوند. برای هر مشکل پیچیده‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرد، تعدادی از عوامل ممکن است مربوط به یک مسئله یا مشکل باشد. با این حال، روابط مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل، وضعیت را بسیار دقیق‌تر از معیارهای فردی که در انزوا قرار دارد، توصیف می‌کند (Attri, 2013:3). مدل‌سازی ساختاری-تفسیری نه تنها بینشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می‌نماید بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تاثیرگذاری عناصر بر هم فراهم می‌نماید و نمایشی تصویری ارائه می‌کند. این روش تفسیری است چون قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌نماید که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است چون اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است. ایده اصلی مدل‌سازی ساختاری-تفسیری تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیرسیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک مدل است (فیروزجائیان و فیروزجائیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) روشی مناسبی است برای تحلیل تاثیر یک عنصر بر سایر عناصر یک سیستم است. این روش، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر الگوی ISM روشی است که به وسیله آن می‌توان بر پیچیدگی بین عناصر غلبه کرد (آذر و بیات، ۱۳۸۷: ۷). مدلی که با استفاده از این متدولوژی بدست می‌آید، ساختاری از یک مسئله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی به دقت طراحی شده می‌باشد (kumar&Dixit, 2018:41).

برای اجرای تکنیک ISM سه مرحله اصلی بایستی طی شود :

مرحله اول : شناسایی مسائل حکمرانی اقتصادی ایران

در این مرحله بر اساس تحلیل مضمون بیانیه گام دوم، مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی استخراج می‌گردد.

مرحله دوم : تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

در این گام و بر اساس نظرات استخراج شده از پنل خبرگان حوزه حکمرانی اقتصادی، رابطه اثرگذاری و اثرپذیری میان هر جفت از مسائل استخراج شده، تعریف می‌گردد. خروجی این مرحله به صورت ماتریس ساختاری خودتعاملی (SSIM) خواهد بود که روابط زوجی میان مسائل اقتصادی را نشان می‌دهد. برای نشان دادن چگونگی روابط میان دو مساله i و j چهار نماد مورد استفاده قرار گرفته است (Rade&other, 2017:87) که در جدول زیر نمایش داده می‌شود :

جدول ۱: نماد ها و مفاهیم ماتریس خودتعاملی ساختاری

نماد	مفهوم نماد
V	i منجر به j می شود (سطر منجر به ستون می شود)
A	j منجر به i می شود (ستون منجر به سطر می شود)
X	رابطه دو طرفه بین i و j وجود دارد.
O	رابطه معتبری بین i و j وجود ندارد.

مرحله سوم : تشکیل ماتریس دستیابی اولیه

ماتریس دستیابی با استفاده از ماتریس ساختاری خود تعاملی تشکیل می گردد. در ابتدا ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل عناصر ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSMI) به اعداد صفر و یک طبق الگوی زیر تولید می گردد :

جدول ۲: وضعیت رابطه ها در تشکیل ماتریس دستیابی اولیه (عابد جعفری و همکاران، ۱۳۹۰)

وضعیت رابطه
اگر نماد خانه ij حرف V باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه عدد صفر گذاشته می شود.
اگر نماد خانه ij حرف A باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه عدد ۱ گذاشته می شود.
اگر نماد خانه ij حرف X باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ گذاشته می شود.
اگر نماد خانه ij حرف O باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه نیز عدد صفر گذاشته می شود.

لازم به توضیح است که برای پر کردن خانه های صفر و یک و تشکیل ماتریس دسترسی اولیه از روش فراوانی استفاده شده که بدین معناست که نظر اکثریت به عنوان نظر نهایی برای تعیین رابطه (i,j) مدنظر قرار می گیرد. به عنوان مثال فرض کنید که برای درایه (۶.۴) از بین ۱۰ نفر خبرگان پژوهش، ۶ خبره مقدار A، ۳ خبره مقدار X و ۱ خبره مقدار V را اختصاص داده باشد. در این حالت، وضعیت نهایی رابطه اثرگذاری مساله ۶ بر ۴ با مقدار A مشخص خواهد شد (YUDATAMA,2018: 38).

مرحله چهارم : تشکیل ماتریس نهایی

برای تولید ماتریس دستیابی نهایی بایستی اصل انتقال پذیری را در روابط مسائل وارد نمود و ماتریس دستیابی اولیه را سازگار کرد. برابر اصل انتقال پذیری در صورتی که متغیر الف با متغیر ب در ارتباط باشد و متغیر ب با متغیر ج مرتبط باشد، در نتیجه متغیر الف نیز بایستی با متغیر ج در ارتباط باشد. برای بدست آوردن ماتریس دستیابی نهایی، ماتریس مجاورت را بایستی به ماتریس واحد اضافه نمود و در صورت تغییر نکردن درایه های ماتریس، به توان n خواهد رسید. اگر I ماتریس همانی و A ماتریس دستیابی اولیه باشد، ماتریس دستیابی نهایی M به صورت زیر بدست خواهد آمد :

$$M=(A+I)^n$$

از خواص ماتریس نهایی این است :

$$M^2=M$$

لذا ماتریس بدست آمده از جمع ماتریس همانی و ماتریس اولیه را آنقدر به توان می رسانیم تا حالت فوق روی دهد و در این حالت، ماتریس بدست آمده، ماتریس نهایی سازگار شده خواهد بود.

تعداد ۱ هایی که در سطر اول ماتریس نهایی بدست می آید، نشان دهنده تاثیراتی است که از طرف مساله اول بر سایر مسائل ایجاد می گردد. ۱ هایی که در ستون اول شکل می گیرند، نشان دهنده تاثیرات سایر مسائل بر مساله اول است. قدرت

اثرگذاری (نفوذ) هر مساله از جمع تعداد مساله های متأثر از آن و خود مساله (جمع افقی برای هر مساله) و قدرت اثرپذیری (وابستگی) هر مساله از جمع تعداد مساله اثرگذار بر آن و خود مساله (جمع ستونی برای هر مساله) بدست می آید. مساله هایی که رابطه آنها سازگار شده است با نماد (1^*) نشان داده می شوند (Rpuben&other,2018: 72).

مرحله پنجم: تعیین روابط و سطح بندی بین مسائل

برای تعیین سطح مسائل در مدل نهایی، به ازای هر یک از آنها، سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می گردد. این مجموعه ها در ساختار ماتریس نهایی و طراحی سیستم نقش اساسی دارند. مجموعه خروجی شامل مساله هایی است که دیگر مسائل از آن تاثیر می پذیرند. لذا برای مسائلی که در سطر مربوط به مساله ای، به آنها عدد ۱ اختصاص داده شده است، مجموعه خروجی از آن مساله سطری می باشند. به طور مشابه مجموعه ورودی شامل مساله هایی است که بر مساله مذکور تاثیر می گذارند. بر این اساس، برای مسائلی که در ستون مربوط به مساله ای، عدد ۱ را اخذ کرده اند، مجموعه ورودی بر آن مساله ستونی می باشند. مجموعه مشترک نیز اشتراک ورودی و خروجی مجموعه است. پس از به دست آوردن مجموعه های ورودی و خروجی برای هر یک از مسائل و تعیین مجموعه های مشترک، سطح بندی مسائل انجام می گردد. چنانچه مجموعه های خروجی و مشترک برای یک عامل یکسان باشد، آن عامل در بالاترین سطح مدل قرار می گیرد. در ادامه بر اساس روابط احصا شده در ماتریس نهایی و سطوح تعیین شده، نمودار سطح بندی ISM ترسیم می گردد (Park,2017:139).

مرحله ششم: ترسیم شبکه مسائل

برای ترسیم شبکه مسائل، ناظر به ورودی و خروجی های ماتریس نهایی، ارتباطات متقابل میان مساله ها ترسیم می گردد. یکی از دیگر اقدامات این گام، دسته بندی مسائل بر اساس قدرت اثرگذاری (نفوذ) و اثرپذیری (وابستگی) آنان است. اثر گذاری (نفوذ) یک مساله به معنای تعداد مسائلی است که از آن مساله اثر می پذیرند. اثرپذیری (وابستگی) نیز به معنای مجموعه مسائلی است که بر مساله مورد نظر، تاثیرگذار هستند.

معیارهای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بر اساس ماتریس اثرات متقابل، چهار وضعیت را برای مساله های حکمرانی اقتصاد ایران مهیا می کنند. دسته اول، شامل مساله های خودمختار است. این دسته از مسائل، آنهایی هستند قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این مسائل در واقع پیوندهای اندکی با سایر عناصر سیستم دارند. دسته دوم شامل مساله های وابسته است. این مسائل قدرت نفوذ کمی در سیستم داشته اما از لحاظ وابستگی به شدت وابسته به سایر مسائل هستند. دسته سوم که مساله های دوجوهی نامیده می شوند، چرا که هم قدرت نفوذ و هم قدرت وابستگی بالایی دارند و هر تکانه ای در این مسائل، تاثیر شدیدی بر سایر مسائل گذاشته و با چرخه بازخوردی نیز از این تکانه اثرمجدد می پذیرد. دسته چهارم، مساله های محرک است که قدرت تاثیرگذاری بالایی بر سایر مسائل دارد اما اثرپذیری چندانی از تکانه های آنان ندارد.

۳-۳. جامعه و نمونه آماری

به منظور تحلیل داده های کیفی و تبدیل آن به نظام مسائل، لازم است در چند مرحله ای که در بالا به آن اشاره شده است نظرات خبرگانی لحاظ گردد. بدین منظور لازم دیده شد از مدل نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند و از نوع قضاوتی استفاده گردد. در نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند اینگونه بیان می گردد که، به جای به دست آوردن اطلاعات از کسانی که به راحتی در دسترس قرار می گیرند، گاهی اوقات ممکن است ضرورت یابد که اطلاعاتی از افراد یا گروه های خاصی به دست آوریم، یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر ما هستند، زیرا آنها تنها افرادی اند که می توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا با برخی از معیارهایی که محقق تدوین کرده مطابقت دارند. چنین نوعی از طرح های نمونه گیری، نمونه گیری هدفمند نامیده می شود و به دو نوع عمده آن عبارتند از نمونه گیری قضاوتی و سهمیه ای تقسیم می گردد. در نوع قضاوتی، افرادی برای نمونه انتخاب می شوند که برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار دارند. از این افراد انتظار می رود به خاطر دارا بودن تجربه و گذراندن فرآیندهای مختلف، از دانش تخصصی برخوردار بوده و قادر به ارائه اطلاعاتی به محقق باشند.

بنابراین، طرح نمونه‌گیری قضاوتی هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طبقه محدودی از افراد دارای اطلاعات‌اند که محقق در جستجوی آنهاست.

بنابراین در تحقیق حاضر از میان جامعه اساتید دانشگاهی که مرتبط با حوزه اقتصادی و مدیریت دولتی بوده‌اند، افرادی به عنوان نمونه انتخاب گردید که اولاً "دارای تحصیلات مرتبط با حوزه اقتصاد، سیاستگذاری و مدیریت دولتی باشند و ثانياً با حوزه سیاستگذاری کلان کشور مرتبط و دارای تجربه باشند. از این رو ۵ نفر از اساتید با لحاظ این ویژگی‌ها، انتخاب گردیدند تا با گرفتن نظرات جمعی آنها مطابق با مراحل فوق، دیدگاه خبرگانی در تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده گردد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱. مساله‌های حکمرانی اقتصادی

جهت تحلیل مضمون، کل محتوای بیانیه گام دوم از منظر احصای مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و مضامین پایه استخراج شده به همراه ارجاعات متن بیانیه در زیر ارائه شده است :

جدول ۳: استخراج مضامین پایه حکمرانی اقتصادی ایران از متن بیانیه گام دوم

ردیف	متن بیانیه	مضمون پایه
۱	[انقلاب اسلامی] کفّی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست... البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.	تبعیض در بهره‌مندی از منابع
۲	ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.	ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده
۳	انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد.	تحریم
۴		وسوسه‌های دشمن
۵		وابستگی اقتصاد به نفت
۶	مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.	دولتی بودن اقتصاد
۷		نگاه به خارج نه ظرفیت داخلی
۸		ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده (نیروی انسانی)

بودجه بندی نامتوازن و معیوب	۹
عدم ثبات سیاست های اجرایی	۱۰
عدم رعایت اولویت ها	۱۱
وجود هزینه های زائد و مسرفانه	۱۲
بیکاری جوانان	۱۳
فقر درآمدی	۱۴
فساد اقتصادی	۱۵
عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است.	
شکاف طبقاتی	۱۶
تبعیض در بهره مندی از منابع	۱۷
فساد اقتصادی (ویژه خواری)	۱۸
غفلت از اقشار نیازمند	۱۹
با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست.	

بعد از کدگذاری مرحله اول و احصای ۱۶ مضمون پایه متمایز، ۸ مضمون سازمان دهنده به شرح زیر استخراج گردید :

جدول ۴: احصاء مضامین سازمان دهنده حکمرانی اقتصادی ایران از مضامین پایه

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
۱	تبعیض در بهره مندی از منابع	ناکارآمدی تخصیصی	۹	نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی	ضعف های راهبردی
۲	فساد اقتصادی		۱۰	ظرفیت های بهره برداری نشده	مدیریت اقتصاد
۳	وابستگی اقتصاد به نفت	ناکارآمدی های تولیدی	۱۱	عدم رعایت اولویت بندی ها	ضعف های تاکتیکی
۴	دولتی بودن اقتصاد		۱۲	عدم ثبات در سیاست های اجرایی	مدیریت اقتصاد
۵	بیکاری جوانان		۱۳	بودجه بندی معیوب و نامتوازن	
۶	شکاف طبقاتی	ناکارآمدی های توزیعی	۱۴	تحریم اقتصادی	جنگ اقتصادی
۷	غفلت از اقشار نیازمند		۱۵	وسوسه های دشمن	عملیات روانی اقتصادی
۸	فقر درآمدی		۱۶	وجود هزینه های زائد و مسرفانه	ناکارآمدی های مصرفی

در جدول زیر ۳ مضمون عالی مستخرج از مضامین سازمان دهنده ارائه شده است :

جدول ۵: احصاء مضامین عالی حکمرانی اقتصادی ایران از مضامین سازمان دهنده

ردیف	مضمون سازمان دهنده	مضمون عالی
۱	ناکارآمدی تخصیصی	مسائل ساختاری
۲	ناکارآمدی تولیدی	
۳	ناکارآمدی توزیعی	
۴	ناکارآمدی مصرفی	
۵	ضعف های راهبردی مدیریت اقتصاد	مسائل مدیریتی
۶	ضعف های تاکتیکی مدیریت اقتصاد	
۷	جنگ اقتصادی	مسائل بین المللی
۸	عملیات روانی اقتصادی	

در نهایت می توان نمودار مضامین حکمرانی اقتصادی مستخرج از بیانیه گام دوم را به صورت زیر نمایش داد :



شکل ۱: نمودار مضامین حکمرانی اقتصادی

۲-۴. مدلسازی نظام مسائل حکمرانی اقتصادی

در جدول زیر مساله های حکمرانی اقتصادی ایران در سطرها و ستون ها ارائه شده است. روابط دویه دوی این متغیرها بر اساس روش پنل خبرگانی احصا گردید و پس از تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری، با جایگذاری اعداد مربوطه به جای نمادها، ماتریس دسترسی اولیه به صورت زیر احصا گردید.

	p _{۱۶}	p _{۱۵}	p _{۱۴}	p _{۱۳}	p _{۱۲}	p _{۱۱}	p _{۱۰}	p _۹	p _۸	p _۷	p _۶	p _۵	p _۴	p _۳	p _۲	p _۱	
p _۱	0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	0	1	1	تبعیض در بهره مندی از منابع عمومی
p _۲	1	0	0	0	0	0	1	1	1	0	1	1	0	0	1	1	فساد اقتصادی
p _۳	1	1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	1	0	1	1	0	وابستگی اقتصاد به نفت
p _۴	1	0	0	1	1	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	دولتی بودن اقتصاد
p _۵	0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	0	1	0	1	0	0	بیکاری جوانان
p _۶	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	0	0	1	شکاف طبقاتی
p _۷	0	0	0	0	0	0	1	0	1	1	1	1	0	0	0	1	غفلت از اقشار نیازمند
p _۸	0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	1	1	0	0	1	0	فقر در آمدی
p _۹	0	0	1	1	0	0	1	1	1	0	0	1	0	0	0	0	تحریم اقتصادی
p _{۱۰}	0	0	1	1	0	1	1	0	0	0	0	1	0	0	0	0	وسوسه های دشمن
p _{۱۱}	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	1	0	1	0	0	نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی
p _{۱۲}	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	1	0	1	0	0	ظرفیت های بهره برداری نشده اقتصاد
p _{۱۳}	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	1	عدم رعایت اولویت بندی ها
p _{۱۴}	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	عدم ثبات در سیاست های اجرایی
p _{۱۵}	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	بودجه بندی معیوب و نامتوازن
p _{۱۶}	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	وجود هزینه های زائد

شکل ۲: ماتریس دسترسی اولیه از مضامین پایه

در گام بعدی برای تولید ماتریس دسترسی نهایی، اصل انتقال پذیری در روابط بین متغیرها وارد شده و با سازگار کردن ماتریس اولیه، ماتریس دستیابی نهایی تولید شده است.

	p _{۱۶}	p _{۱۵}	p _{۱۴}	p _{۱۳}	p _{۱۲}	p _{۱۱}	p _{۱۰}	p _۹	p _۸	p _۷	p _۶	p _۵	p _۴	p _۳	p _۲	p _۱	
p _۱	1*	0	1*	1*	0	1*	1	1*	1	0	1	1	0	1*	1	1	تبعیض در بهره مندی از منابع عمومی
p _۲	1	0	1*	1*	0	1*	1	1	1	0	1	1	0	1*	1	1	فساد اقتصادی
p _۳	1	1	1*	1	1	1	1	1	1*	1*	1*	1	0	1	1	1*	وابستگی اقتصاد به نفت
p _۴	1	1*	1*	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	دولتی بودن اقتصاد
p _۵	1*	1*	1*	1*	1*	1*	1	1*	1	0	1*	1	0	1	1*	0	بیکاری جوانان
p _۶	0	0	1*	1*	0	1*	1	1*	0	0	1	0	0	1*	0	1	شکاف طبقاتی
p _۷	0	0	1*	1*	0	1*	1	0	1	1	1	1	0	1*	1*	1	غفلت از اقشار نیازمند
p _۸	1*	0	0	0	0	0	1	1*	1	0	1	1	0	1*	1	1*	فقر در آمدی
p _۹	1*	1*	1	1	0	1*	1	1	1	0	1*	1	0	1*	1*	1*	تحریم اقتصادی
p _{۱۰}	1*	1*	1	1	1*	1	1	1*	1*	1*	1*	1	0	1*	0	1*	وسوسه های دشمن
p _{۱۱}	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	1	1	1*	1	0	1	1*	1*	نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی
p _{۱۲}	1*	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	1	1*	1	0	1	1*	1*	ظرفیت های بهره برداری نشده اقتصاد
p _{۱۳}	1	1	1	1	0	0	0	1*	1*	0	1	1*	0	1*	1*	1	عدم رعایت اولویت بندی ها
p _{۱۴}	1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	0	1*	1*	0	1	1*	1	عدم ثبات در سیاست های اجرایی
p _{۱۵}	1	1	1	1	1*	1*	1*	1*	1*	0	1*	1*	0	1	1	1	بودجه بندی معیوب و نامتوازن
p _{۱۶}	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	وجود هزینه های زائد

شکل ۳: ماتریس دست یابی نهایی مسائل اقتصادی

در این بخش به منظور تعیین روابط بین متغیرها باید مجموعه خروجی، ورودی و مشترک را شناسایی نمود و در صورت یکسان بودن مجموعه دستیابی و مجموعه مشترک هر عامل، آن عوامل در سطح یکسان قرار می گیرند.

جدول ۶: تعیین سطوح مسائل حکمرانی اقتصادی ایران

مساله	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	مجموعه مشترک	سطح
p1	1-2-3-4-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-16	1-2-3-6-8-9-10-11-13-14	4
p2	1-2-3-4-5-7-8-9-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-16	1-2-3-5-8-9-11-13-14	3
p3	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	4
p4	4	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	4	1
p5	1-2-3-4-5-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15-16	2-3-5-8-9-10-11-12-13-14-15	4
p6	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-3-6-9-10-11-13-14	1-3-6-9-10-11-13-14	5
p7	3-4-7-10-11-12	1-2-3-5-6-7-8-10-11-13-14	3-7-10-11	2
p8	1-2-3-4-5-7-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-16	1-2-3-5-8-9-10	5
p9	1-2-3-4-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-15-16	1-2-3-5-6-8-9-10-11-13-14-15	4
p10	1-2-3-4-5-6-7-8-9-10-11-12-14-15	1-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-3-5-6-7-8-9-10-11-12-14-15	4
p11	1-2-3-4-5-6-7-9-10-11-12-14-15	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-2-3-5-6-7-9-10-11-12-14-15	3
p12	3-4-5-10-11-12-14-15	1-2-3-5-6-7-8-9-10-11-12-13-14-15	3-5-10-11-12-14-15	2
p13	1-2-3-4-5-6-7-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-13-14-15-16	1-2-3-5-6-9-13-14-15	4
p14	1-2-3-4-5-6-7-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15-16	1-2-3-5-6-9-10-11-12-13-14-15	4
p15	3-4-5-9-10-11-12-13-14-15	1-2-3-5-6-8-9-10-11-12-13-14-15-16	3-5-9-10-11-12-13-14-15	3
p16	1-2-3-4-5-8-9-10-11-12-13-14-15-16	16	16	6

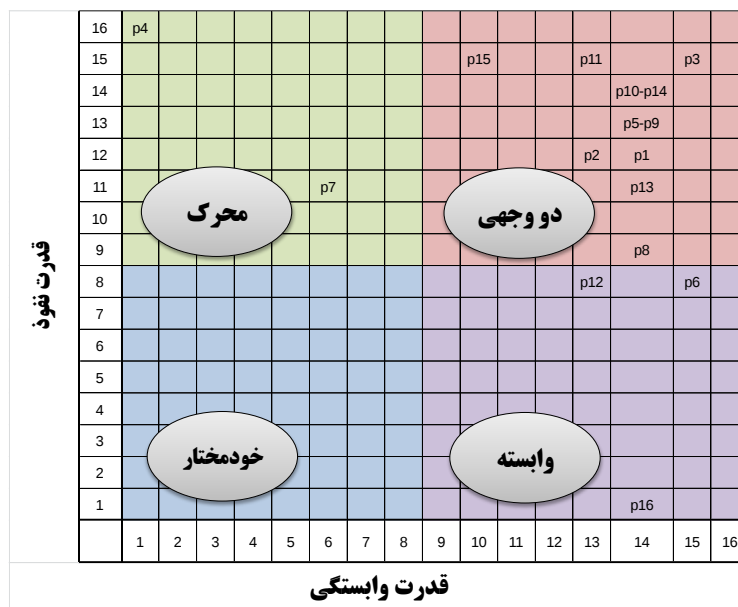
حال بایستی قدرت نفوذ و وابستگی را برای هر مساله از جمع امتیازهای ۱ بدست آمده از هر سطر و جمع امتیازهای ۱ بدست آمده از هر ستون ماتریس دستیابی نهایی محاسبه نمود.

جدول ۷: میزان قدرت نفوذ و وابستگی مسائل

مسائل	قدرت نفوذ	قدرت وابستگی
p1	تبعیض در بهره مندی از منابع عمومی	12
p2	فساد اقتصادی	13
p3	وابستگی اقتصاد به نفت	15
p4	دولتی بودن اقتصاد	16
p5	بیکاری جوانان	13
p6	شکاف طبقاتی	8
p7	غفلت از اقشار نیازمند	11
p8	فقر درآمدی	9
p9	تحریم اقتصادی	13
p10	وسوسه های دشمن	14
p11	نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی	15
p12	ظرفیت های بهره برداری نشده اقتصاد	15

14	11	عدم رعایت اولویت بندی ها	p13
14	14	عدم ثبات در سیاست های اجرایی	p14
10	15	بودجه بندی معیوب و نامتوازن	p15
14	1	وجود هزینه های زائد	p16

برای تحلیل MICMAC مسائل نیز بایستی نمودار تقاطعی قدرت نفوذ و وابستگی را ترسیم نمود.



شکل ۴: نمودار تقاطعی قدرت نفوذ و وابستگی

حال در این قسمت می توان بر اساس خروجی مدل سازی تفسیری ساختاری و سطوح روابط میان مولفه های تحقیق، نظام مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نمود . در تصویر سازی شبکه تلاش می شود تا نقشه ای از روابط میان متغیرها ارائه گردد. این نقشه ها همچون نقشه های جغرافیایی معنادار و قابل تفسیر هستند و برای تفاسیر آن باید روش خوانش آن ها ارائه گردد. برای تصویر سازی یک شبکه باید از هر دو عنصر پیوندها و گره ها استفاده کرد. شاخص های شبکه ای مختلفی را می توان به پیوند ها و لینک ها متصل کرد و نتایج را بر اساس آن تصویر سازی کرد. (مقاله ۱۰ سیستم ص ۸). مسائلی که در سطح اولیه قرار دارند، زیر ساخت و پایه ی اساسی در ایجاد شبکه مسائل محسوب شده و مسائل سطوح بالاتر از تاثیر گذاری کمتری برخوردار بوده و بیشتر تحت تاثیر سایر عوامل هستند. مسائل سطح میانی نیز مسائلی هستند که برهم کنش میان آنها، ساخت پایداری را در مساله مندی حکمرانی اقتصادی ایران خلق می کنند.



شکل ۵: سطوح مسائل اقتصادی احصاء شده از بیانیه گام دوم

۵- تجزیه و تحلیل

شبکه تعاملات مسائل اقتصاد ایران در نمایه شماره ۵ نشان داده شده است. در الگوی فوق، مساله "دولتی بودن اقتصاد" به عنوان مبنای مدل محسوب شده چرا که بر تمامی مسائل دیگر اثرگذار است اما از سایر مسائل اثری نمی پذیرد. به نظر می رسد که ریشه بسیاری از مسائل حکمرانی اقتصادی ایران در پدیده دولتی بودن اقتصاد و سهم بالای فعالیت های تصدی گرایانه دولت در اقتصاد است. نقش تصدی گرایانه، دولت را رقیب بخش خصوصی و تعاونی قرار داده و به جهت عدم تقارن اطلاعاتی میان دولت با بخش خصوصی و تعاونی، سایه سنگینی را بر بخش های قابل توجهی از اقتصاد حکمفرما نموده است.

لایه دوم ناظر به "غفلت از اقشار نیازمند" و "ظرفیت های بهره برداری نشده ایران" است که بیشترین اثرات را بر سایر مسائل دارند اما به نسبت اثرپذیری کمتری دارند. بر اساس مدل استخراج شده، به حاشیه رفتن اقشار نیازمند از کانون توجه حکومت و فقدان برنامه جامع برای استفاده از ظرفیت های اقتصادی ایران در کنار دولتی بودن اقتصاد، به عنوان بنیان های ناکارایی اقتصادی و زمینه ساز ایجاد چالش های عمیق تری را فراهم می سازد. محصول این مسائل، ایجاد پدیده هایی چون "فساد اقتصادی"، "نگاه به خارج نه ظرفیت های داخلی" و "بودجه بندی معیوب و نامتوازن" در لایه سوم است. به عبارت دیگر، به حاشیه رفتن اقشار نیازمند و عدم توجه به ظرفیت های بهره برداری نشده ایران مسبب توجه به ظرفیت های خارجی است و

این امر در کنار اقتصاد دولت محور که زمینه های فساد را پررنگ تر می کند و عدم کارایی در بودجه بندی به عنوان یکی از اصلی ترین ابزارهای اعمال نقش دولت در اقتصاد، آسیب های قابل توجه و مضمینی را در حکمرانی اقتصادی ایجاد نموده است. لایه چهارم به عنوان پیچیده ترین لایه نظام مسائل حکمرانی اقتصادی ایران محسوب می شود چرا که میزان تعاملات درونی این عناصر در لایه مذکور بالاست و اثرپذیری و اثرگذاری آنها هم در خارج از لایه خود و هم مسائل سایر لایه ها گسترده است. این امر بیانگر این مهم است که فعال ترین مسائل حکمرانی اقتصادی در ایران شامل "تبعیض در بهره مندی از منابع طبیعی"، "وابستگی اقتصادی به نفت"، "بیکاری جوانان"، "تحریم اقتصادی"، "وسوسه دشمن"، "عدم رعایت اولویت بندی ها"، "عدم ثبات در سیاست های اجرائی" است. در لایه پنجم، "شکاف طبقاتی" و "فقر درآمدی" به عنوان یکی از روبنایی ترین مسائل اقتصاد ایران، محصول ناکارآمدی های تولید شده در لایه های پیشین این مدل است. در بالاترین سطح هم حکمرانی اقتصادی با مساله "وجود هزینه های زائد" روبه رو است که محصول تعاملات فی مابین ناکارآمدی لایه های زیرین الگوست.

تحلیل های پژوهش حاضر نشان می دهد که مسائل موجود در حکمرانی اقتصادی ایران به صورت لایه ای بوده و تعاملات میان مسائل نیز در حد بسیار وسیع و اثرگذاری است. به بیان دیگر، شبکه مسائل حکمرانی اقتصادی دارای تعاملات رفت و برگشتی تقویت کننده قابل توجهی است که این امر باعث ایجاد سطح پایدار و نهادینه شده ای از ناکارآمدی ها می گردد. همچنین فقدان وجود مسائل خودمختار نشان دهنده دقت نظر بکاررفته در احصای مسائل حکمرانی اقتصادی ایران در بیانیه گام دوم است. به عبارت دیگر، مساله شناسی دقیقی از حکمرانی اقتصادی در بیانیه گام دوم صورت گرفته است که می تواند اجماع گسترده ای را در میان صاحب نظران از مسائل اقتصاد ایران فراهم سازد.

نکته مهم و اساسی این است که سیاست گذاری های اقتصادی در صورت ابتنای بر نظام مسائل احصا شده نیازمند دقت نظر جدی در تحلیل روابط و تعاملات میان مساله های مذکور است. در واقع اگر گزاره های سیاستی را راهکارهای حل مساله بدانیم، ارائه راهکار برای حل یک مساله بدون توجه به علت های ایجاد کننده آن مساله و معلول های حادث شده از آن مساله، کارآمدی قابل توجهی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، یک گزاره سیاستی دقیق و کارآمد بایستی به گونه ای تنظیم شود که هم روابط پسینی و هم روابط پیشینی یک مساله را با سایر مسائل در خود گنجانده و علت های پدید آورده و معلول های حادث شده از هر مساله را مورد توجه دقیق قرار دهد.

۶- نتیجه گیری

بیانیه گام دوم راهبردی ترین سند جمهوری اسلامی برای ۴۰ سال آینده است. بنابراین تمام سیاست گذاری های آینده نظام لازم است مبتنی بر این بیانیه طراحی شده و برنامه های توسعه بر این اساس تدوین گردد. برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سرآغاز تهیه و تدوین برنامه های توسعه، ابلاغ سیاست های کلی از سوی مقام معظم رهبری است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۹۴، ص: ۳). اکنون که در حال تدوین برنامه هفتم توسعه اقتصادی می باشیم، تحلیل این بیانیه از ابعاد مختلف آن می تواند سند مبنایی و اصلی برای آن لحاظ گردد. با توجه به شرایط کشور در چند ساله اخیر و بررسی متن بیانیه گام دوم نشان می دهد یکی از مهمترین محورهای مسیر پیش روی انقلاب اسلامی، مسئله اقتصادی کشور است. که نام گذاری سالها اخیر توسط مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، مویدی بر این موضوع است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده تا تحلیل جامعی از بیانیه گام دوم در حوزه اقتصادی صورت گرفته و مسائل حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در افق ۴۰ ساله پیش رو، به صورت سیستمی و نظام مند تحلیل گردد. این پژوهش با طرح و بررسی تحلیل بیانیه گام دوم از جنبه اقتصادی، به دنبال آن است تا مسیری را برای سیاست پژوهان و مسئولین سیاستگذار باز کرده تا بتوانند دقیق تر و موثکافانه تر، این بیانیه را مبنای سیاست های کلان و اجرایی کشور و نیز برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

با تحلیل بیانیه گام دوم به روش تحلیل تم، ۱۶ مسئله اصلی اقتصادی احصاء و در قالب ۸ مضمون سازمان دهنده تقسیم و ذیل ۳ مضمون عالی سازماندهی شدند. سپس به منظور تحلیل این مسائل و ترسیم نظام و شبکه آن، از تکنیک ISM استفاده شد که روابط میان آنها احصاء و مسائل اقتصادی در شش سطح دسته بندی شدند.

این تحلیل نشان می‌دهد که "دولتی بودن اقتصاد" به معنای اینکه دولت به عنوان ابر تصدی گر اقتصادی می‌تواند آسیب‌های زیادی را به بدنه اقتصاد کشور وارد آورده و خود، مسائل دیگری را در اقتصاد به وجود بیاورد و یا تقویت کند که چالشی اصلی در افق ۴۰ ساله پیش روی انقلاب است. افزایش نقش تصدی‌گری دولت بر شاخص‌های توزیع درآمد اثر گذاشته و باعث افزایش ضریب جینی، افزایش سهم هزینه‌های دهک دهم به دهک اول، کاهش سهم درآمد‌های چهار دهک اول شهری و روستایی می‌شود (صادقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷). تصدی‌گری بیش از حد دولت در کوتاه مدت و بلند مدت، دارای رابطه منفی با نرخ ارز، و موثر حقیقی بوده که این امر باعث افزایش تولید کالاهای غیرقابل مبادله در مقابل کالاهای قابل مبادله شده و باعث کاهش توان رقابتی کالاهای داخلی می‌گردد (محسنی و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۶۲). در سطح دوم مسائل، شاهد "غفلت از اقشار نیازمند" و "ظرفیت‌های بهره‌برداری نشده" در اقتصاد هستیم که هم از دولتی بودن اقتصاد تاثیر می‌پذیرد و هم بر دیگر مسائل اثر می‌گذارد. از جمله ظرفیت‌های بالقوه یا آتی جمهوری اسلامی می‌توان به ظرفیت مالی، به عنوان جایگزینی برای درآمد‌های نفتی، (عباسیان و فشی، ۱۳۹۴: ۱۹۴) توسعه اقتصاد دانش بنیان (شعبانی و عبدالمملکی، ۱۳۹۰: ۱۲۴) و اقتصاد دیجیتال اشاره کرد. غفلت از اقشار نیازمند نیز می‌تواند آثار مخربی بر اهداف و آرمان‌های انقلاب و نیز پیشرفت انقلاب داشته باشد. چرا که گفتمان حمایت از مستضعفان از آرمان‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی است (عسگری، ۱۳۹۴: ۲۷) و بر این اساس است که معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی ره می‌فرمایند: مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان نورچشمیان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقیق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید (خمینی ره، ۱۳۹۰، جلد ۲۱: ۴۱۲).

در لایه سوم مسائل با "فساد اقتصادی"، "نگاه به خارج نه ظرفیت‌های داخلی" و "بودجه بندی معیوب و نامتوازن" روبرو می‌شویم. این لایه به عنوان سطح واسط هم‌گذار و هم‌اثر پذیر است. عدم توجه به اقشار نیازمند و نادیده گرفتن ظرفیت‌های بالقوه ایران منجر به تمرکز بر ظرفیت‌های خارجی می‌شود و این موضوع با توجه به دولتی بودن اقتصاد ضعف در بودجه ریزی و زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند. این بخش از آنجا خود را بیشتر نمایان می‌کند که بودجه بندی دولت در برنامه هفتم توسعه به عنوان اولین برنامه توسعه در گام دوم می‌تواند دچار چالش‌های جدی گردد، و آثار ناگواری بر اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. آثار و پیامدهای منفی فساد اقتصادی و مالی در کشور را می‌توان بر این موارد قلمداد کرد: الف) تخصیص صحیح منابع توسط دولت، ب) توزیع صحیح درآمدها ج) کارایی اقتصادی د) رشد اقتصادی ه) حقوق افراد جامعه و) ترکیب مخارج دولت ز) انگیزه مبارزه با فساد ح) ثبات سیاسی ط) تصمیمات کشوری ی) فاصله طبقاتی (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

لایه چهارم لایه ای بسط یافته و پرچالش در نظام مسائل حکمرانی اقتصادی تحلیل شده و بیشترین ارتباطات شبکه‌ای را هم در اثرگذاری و هم تاثیر پذیری دارد. این سطح از مسائل شامل "تبعیض در بهره‌مندی از منابع طبیعی"، "وابستگی اقتصادی به نفت"، "بیکاری جوانان"، "تحریم اقتصادی"، "سوسه دشمن"، "عدم رعایت اولویت بندی‌ها" و "عدم ثبات در سیاست‌های اجرایی" است. ساختار اقتصاد ایران به دلیل وجود برخی چالش‌ها از جمله گسترده بودن فعالیت‌های غیر مولد، افزایش درآمد‌های نفت تاثیر کمی بر رشد و گسترش تولید بخش غیر نفتی کشور دارد. وابستگی درآمد دولت و همچنین درآمد‌های ارزی کشور به درآمد نفت مشکل اصلی ساختار کشور می‌باشد و تا زمانی که راه حلی برای آن پیدا نشود، ناپایداری در اقتصاد ایران تداوم خواهد یافت. این مشکل نه فقط در دوران کاهش فروش نفت بلکه در دوران افزایش فروش نفت نیز به چشم می‌خورد (صیادی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). هرچند جمهوری اسلامی در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب نشان داد که تحریم‌ها را می‌توان بی‌اثر کرده و آنها را به فرصت تبدیل نمود، لکن باید آثار مستقیم و نزدیک تحریم در اقتصاد کشور مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار گیرد و راهکارهایی برای آن دیده شود. تحریم‌ها بر بخش‌های مختلف اقتصادی همچون تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی تاثیر گذار است. بنابراین برای سیاستگذاری‌های دقیق در این حوزه‌ها لازم است، در کنار کانال‌های اثرگذاری، میزان دقیق اثرات تحریم، بر این بخش‌های بر اساس مدل‌های کمی مورد ارزیابی قرار گیرد (گرساسی و یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۷). با این وجود مطابق با پژوهش‌های صورت گرفته، اثر تخریبی بیکاری از اثر تخریبی تورم بسیار شدید تر می‌باشد (عباسی نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹). از این رو در این لایه می‌توان در کنار وابستگی اقتصاد به نفت، بیکاری را یکی از مسائل جدی و اثر گذار در اقتصاد در نظر گرفت که لازم است در سیاستگذاری‌های آتی به این مقوله توجه ویژه گردد.

در لایه پنجم با دو مسئله کلیدی و مرتبط با هم روبرو میشویم. "شکاف طبقاتی" و "فقر درآمدی"، اثر بسیار نزدیک و بالایی بر یکدیگر داشته و پرواضح است که هر دوی این مسائل متأثر از مسئله های لایه چهارم هستند. در این میان توجه به نظام اقتصادی اسلام می تواند اقتصاد را به عادلانه شدن توزیع درآمدها نزدیک کند که این تدابیر شامل: گسترش روابط حقوقی کار، دستمزد عادلانه، تحریم ربا، جلوگیری از گناه و اعمال ناشایست به عنوان عامل معنوی، توجه به نیازمندان، مسئولیت پذیری اجتماعی است (موسویان، ۱۳۸۰: ۱۵).

وجود هزینه های زائد به عنوان پسینی ترین سطح و اثر پذیرترین مسئله در حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی است. هزینه های زائد، چالشی است که دولت های وابسته به نفت بیشتر دچار آن هستند و اثر زیادی بر آسیب های فرهنگی و اجتماعی در جامعه دارد. نامگذاری سال اصلاح الگوی مصرف توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۸ نیز برای پرداختن به این موضوع بود که بیانیه گام دوم نشان می دهد، هنوز به عنوان مسئله ای اصلی در نگاه ایشان وجود دارد.

فهرست منابع

۱. انصاری فرد، سیما (۱۳۹۳)، نگرش سیستمی و مفهوم آنتروپی در اقتصاد، اقتصاد تطبیقی، شماره ۲، صص ۳۴-۱۷.
۲. آذر، عادل و بیات، کریم (۱۳۸۷)، طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM)، مدیریت فناوری اطلاعات، شماره ۱، صص ۱۸-۳.
۳. بروشکی، محمد مهدی (۱۳۸۴)، کاربرد نظریه سیستمی در تحلیل علل صعود و سقوط تمدن ها در تاریخ، پژوهش های تربیتی، شماره ۳، صص ۷۹-۴۹.
۴. جاویدی، رقیه و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، فرصت ها، چالش ها و موانع پیشرفت ایران، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۵. جعفری، انوش و قنبری، حمیده (۱۳۹۶)، مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش ملل، شماره ۲۱، صص ۶۱-۴۷.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۹۰)، صحیفه امام، ۲۲ جلدی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره
۷. رحیمیان، نرگس (۱۳۹۳)، بررسی فساد اقتصادی در راه های مبارزه با آن، مجله اقتصادی، شماره های ۹ و ۱۰، صص ۱۰۳-۱۱۶.
۸. رضائیان، علی و عبدالحی نسیانی، علی (۱۳۹۵)، بازشناسی عوامل کلیدی موفقیت در مدیریت نظام اسلامی از منظر نظریه سیستمی، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۵، صص ۴۳-۱۵.
۹. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۹۴)، مستندات برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - نظام تهیه، تدوین و تصویب برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، www.mporg.ir
۱۰. شعبانی، احمد و عبدالملکی، حجت الله (۱۳۹۰)، توسعه اقتصادی دانش پایه؛ مبنای نظری، تجربیات و الزامات سیاست گذاری، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۷.
۱۱. صادقی، مهدی؛ ندری، کامران و قلیچ، وهاب (۱۳۸۸)، اثرات نقش حاکمیتی و تصدی گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL مطالعه موردی ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۶، شماره ۴، صص ۷۳-۱۰۰.
۱۲. صیادی، محمد و بهرامی، جاوید (۱۳۹۴)، ارزیابی اثرات سیاست های سرمایه گذاری درآمد نفتی بر متغیر های عملکرد اقتصادی در ایران: رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE)، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۸۵-۱۳۵.
۱۳. طهماسبی، حمزه امین (۱)، شناسایی و تعیین عوامل اصلی توسعه فناوری با استفاده از مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) مطالعه موردی بنگاه های کوچک و متوسط استان گیلان، توسعه تکنواوری صنعتی، شماره ۳۴، صص ۳۸-۲۵.

۱۴. عابدی جعفری، حسن و تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۵. عباسی نژاد، حسین و رضانی، هادی و صادقی، مینا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده های تلفیقی بین استانی، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۴.
۱۶. عباسیان، عزت اله و فشی، فرزانه (۱۳۹۴)، ظرفیت های مالی، جایگزینی برای درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۸۳-۱۹۹.
۱۷. عسگری، یداله (۱۳۹۴)، مقارنه گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اخلاقی مسئولیت حمایت، دوفصلنامه علمی- پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۱-۲۹.
۱۸. عیسوی، محمود (۱۳۹۵)، استخراج چارچوب نظری برای آسیب شناسی اقتصاد ایران بر اساس مولفه های نظام اقتصادی الگوی اسلامی ایران پیشرفت، معرفت اقتصادی، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۲.
۱۹. فیروزجائیان، علی اصغر و فیروزجائیان، مجتبی و هاشمی پطروودی، سیدحمید و غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۲)، کاربرد تکنیک مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) در مطالعات گردشگری تحلیل با رویکرد آسیب شناسانه، برنامه ریزی و توسعه گردشگری، شماره ۶، صص ۱۵۹-۱۲۹.
۲۰. کشاورز، مهناز (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل تاثیرگذار در توسعه گردشگری پایدار شهری با استفاده از مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM)، مطالعه موردی شهر خرم آباد، گردشگری شهری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۲۱.
۲۱. کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، روش شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست گذاری عمومی، سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.
۲۲. گرشاسبی، علیرضا و یوسفی، مجتبی (۱۳۹۵)، بررسی اثرات تحریم بین المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۲۵.
۲۳. محسنی زنوزی، سید جمال و اسماعیلی، سید میثم (۱۳۹۳)، تاثیر نقش دولت در رقابت پذیری، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، صص ۴۱-۶۵.
۲۴. موسوی داودی، سیدمهدی و حضوری، محمدجواد و نجاری، رضا و رستگار، عباسعلی (۱۳۹۵)، طراحی و تبیین مدل ارزش های سازمانی مبتنی بر آموزه های نهج البلاغه، مدیریت سازمان های دولتی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۳-۴۸.
۲۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۰)، عدالت، محور آموزه های اقتصادی اسلام، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴.

26. Attri, Rajesh and Dev, Nikhil and sharma, Vivek (۲۰۱۳), Interpretive structural modelling (ISM) approach : An Overview, Research Journal of Management Science, Vol ۲, No ۲, pp ۳-۸
27. Attride, Strling, j (۲۰۰۱), Thematic network: an analytic tool for qualitative research, Qualitative Research ۱, p.p. ۳۸۵-۴۰۵
28. Kubule A, indzere .Z and muiziece. I (۲۰۱۹), Modelling of the bioeconomy system using interpretive structural modelling, Agronomy research ۱۷(X), xxx-ccc, <https://doi.org/10.15159/AR.19.170>
29. Kumar, Ashwani. Dixit, Gaurav (۲۰۱۸) "An analysis of barriers affecting the implementation of e-waste management practices in India: A novel ISM-DEMATEL approach", Sustainable Production and Consumption, Vol ۱۴, pp ۳۶-۵۲

30. Park, kyoung jong(2017), Relationship and priority of risks using ISM and Grey Approach,international Journal of science and technology,Vol 10,No 9,pp.135-144
31. Rade, Kuldip Arun and Pharande, Vilas A. and Saini, Daulat. R(2017), Interpretive structural Modeling (ISM) for Recovery of Heat Energy, International Journal of Theoretical and Applied Mechanics,Vol 12, No 1, pp. 83-92
32. Robertson, Ian,s (2001), Problem Solving, Hove, England, Psychology Press.
33. Ruben , Ben. Vinodh S., Asokan P. (2018), "ISM and Fuzzy MICMAC application for analysis of Lean Six Sigma barriers with environmental considerations", International Journal of Lean Six Sigma, Vol. 9No. 1, pp. 64-90
34. Shahabadkar,p. and s.s Hebbal and s.Prashant(2012),Deployment of Interpretive structural Modeling methodology in supply chain management an overview,international journal of industrial engineering & production research,Vol 23, No 3,pp .195-208
35. Yudatama, uky and Nizar Hidayanto Achmad and Nazief Bobby(2018), Approach using interpretive structural model (ISM) to determine key sub factors at factors : benefite, risk reduction, opportunities and obstacles in awareness it governance, journal of theoretical and applied information technology, Vol 96, No 16,pp .37-49
36. Braun, V. & Clarke, V. (2012). Thematic analysis. In H. Cooper (ed.) Handbook of research methods in psychology (pp. 57-71). Washington, DC: APA Books.
37. Lehman, Olga v and Murakami, Kyoko and Klempe, Sven Hroar(2019), Developmenlly Oriented Thematic Analysis (DOTA): A Qualitative Research Method to Explore Meaning-Making Processes in Cultural Psychology, Volume 20, No. 2,pp .1-21
38. Nowell, Lorelli S. and Jill M. Norris and Deborah E. White and Nancy J. Moules(2017), Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria, International Journal of Qualitative Methods Volume 16,pp 1-13
39. Vaismoradi, Mojtaba and Jacqueline Jones and Hannele Turunen and Sherrill Snelgrove(2016), Theme development in qualitative content analysis and thematic analysis, Jurnal of Nursing Education and Practice, Vol 6, No 8, pp .100-110
40. HERZOG Christian and Christian HANDKE and Erik HITTERS(2019), Analyzing Talk and Text II: Thematic Analysis, The Palgrave Handbook of Methods for Media Policy Research. Basingstoke: Palgrave Macmillan.